

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه

۰۸ جنوری ۲۰۲۳



یونس نگاه

مندرجات مضمون ثقافت اسلامی

شیخ الحدیث نداء محمد ندیم

@NedaMohammadNad



دا د رسول الله صلی الله علیه وسلم وینا ده
چې د بنحو دین او عقل ناقص دی، حُکمه خو پي
نفره پر نر فرض ده، او قیومیت یې هم باید له
نارینه سره وي.

هغه خلک چې بنحو هم پوره انسان گني او د
نارینه په شان د حقوقو غوښتنه ورته کوي یا له
دین څخه نه دي خبر او یا هم سپکولران دي.
"ص بخاري- حدیث ۳۰۵"

ترجمه توییت

Twitter for Android u00B7 ۲۳ ژانویه ۰۵ . ۰۷:۳۷

«قار تان نیایه، به نظر مه همی ملا ندیم از نظر خصوصیات شخصی آدم صادق و پرکار است.» اگر در محیط انقلابی تربیت می‌شد احتمالاً از ایندولوگ‌های بسیار سرسخت یکی از طیف‌های چپ می‌شد. اگر دمکرات می‌بود هم مثل اندیوالای ماوشما خوگی و سست عنصر نمی‌شد، بلکه برای تحقق دمکراسی آستین بر می‌زد و دانشگاه‌ها و مکاتب را از تفاسیر متناقض ملانی پاک می‌کرد.

گلش پخته است اما قالبش عیب دارد. می‌پرسید چطور؟

همی آدم دروغ نمی‌گوید. در زمان جمهوریت من در پوهنتون کابل درس خواندم و بخشی از وقت ما صرف آموزش همین چیزها شد که ملا ندیم می‌گوید. در پوهنتون کابل، مضمون ثقافت اسلامی عاری از همین حرف‌ها نبود. مسأله نفقه، شرایط ازدواج و طلاق با همین تفسیر ملا ندیم برای ما تدریس می‌شد.

همصنفی‌ها شاهدند. در سال ۲۰۰۴ یا ۲۰۰۵، هنگام پختگی جمهوریت بود. نظام، صاحب قانون اساسی و رئیس جمهور منتخب هم شده بود. روزی یک استاد ما که پسان وزیر عدلیه شد، درسی در مورد زنا داشت. صنف ما ترکیبی از دختران و پسران بودیم. استاد حد و حدود زنا را توضیح می‌داد و چنان به جزئیات رفت که نصف صنف احتمالاً تنبان خود را تر کردند.

مثلاً گفت زنا تنها در صورتی کامل می‌شود که مرد تا حشفه دخول کرده باشد. عبارات عربی را کسانی نمی‌فهمیدند و از استاد توضیح خواستند. او انگشتش را بالا کرده قسمت ناخن را نشان داده گفت تا اینجا! و توضیح داد همو قسمتی که نرمه سر آلت تناسلی ختم می‌شود.

فکر نکنید که جمهوری تان چنان جمهوری دمکراتیک بود که در آن صنف‌ها مشغول آموزش روابط انسانی آدم‌ها بودند. آنجا نیز بخش کلان ذهن کودکان و نوجوانان شما با سخنان عجیب و غریبی پر می‌شد که در بیشتر مواقع از آنان آدم‌های درمانده و دارای افکار متشتت می‌ساخت.

او پروفیسور و گل سرسبد دمکراسی بود. ریشش را مورچه‌پای کوتاه می‌کرد و نکثائی هم می‌زد. اگر قصه استادان ریش بلستی و کلاه‌دار را بکنم دندان درد خواهید شد.

همین چیزها را در مکتب، مسجد و پوهنتون همه ما خوانده‌ایم! همین چیزهایی را که ملا ندیم می‌گوید. این که تعدادی تیر خود را آورده می‌گوئیم "او گیا وقتش گذشته"، جداست. اما یک گپ هوائی و دروغ را اگر ده‌ها و صدها سال در کتاب‌ها به مردم بیاموزید، باید انتظار داشته باشید یگان نفر خوش‌قلب باور کند. شاید همی ملا ندیم ازین جهت بسیار خوش‌قلب‌تر از جمهوریتی‌هایی باشد که نکثائی و تسبیح را یکجا می‌گرداندند و آیات را با لهجه انگلیسی، با پر روئی تلاوت می‌کردند.

اگر راستی باور دارید که ملاندیم خطا می‌گوید، پس بیائید به یک راه حل ریشه‌ئی بیندیشیم. آیا آموزش عمومی (مکاتب و دانشگاه‌ها) مذهبی باشد یا نباشد؟ آیا حکومت مذهبی باشد یا نباشد؟ اگر به سکیولاریزم باور ندارید، چرا این برادر خوش‌قلب خود را آزار می‌دهید؟ بروید او را در تطبیق هدف مذهبی یاری رسانید.